دیدگاه

شفافیت حرف دولت وانتظار مردم

ادامه از صفحه یک

بر این باورند که شفافیت سرمایه اجتماعی تولید می‌کند و اعتماد مردمی را افزایش می‌دهد، می‌گویند ما همه چیز را به اعضای خود می‌گوییم زیرا آنان را محرم خودمان می‌دانیم و هیچ موضوع غیرشفاف و ناآشکاری نداریم پس مورد اعتماد مردم هستیم. زمانی که سیاسیون از شفافیت سخن می‌گویند، خطاب آنها به همه شهروندان است و ذینفعان آن مردم هستند چون اداره کشور بدون همراهی و مشارکت مردم میسر نیست. اما شفافیت چیست و حدود آن تا کجاست؟ شفافیت را ارائه حق اطلاعات مردم به مردم دانسته‌اند که باید با کیفیت مناسب، در زمان مناسب و در محل مناسب و در قالب مناسب به مخاطب ذینفع اطلاع‌رسانی شود تا شفافیت واقعیت پیدا کند و مردم از آثار آن برخوردار شوند. انتظار مردم از دولت‌ها شفافیت در مباحثی همچون پاسخگویی، مبارزه با فساد و رعایت عدالت در نگاه یکسان به مردم، در توزیع منابع و برخورداری منصفانه مردم از امکانات کشور و آسایش و رفاه عمومی است. واقعیت این است که مردم حق دارند تا در جریان تصمیم‌گیری‌ها، علل تصمیم و نتایج آن قرار گیرند، زیرا دولت‌ها درحقیقت منتخبان مردم و از خود مردم هستند. شفافیت امکان نظارت بر عملکرد را تسهیل می‌کند برای این منظور اطلاع‌رسانی باید همه سطوح و همه رده‌های سازمانی را دربرگیرد و نهایتا از نتایج شفافیت هم مردم و هم دولت‌ها برخوردار شوند. شفافیت مثل پارچه سفید است اگر کوچک‌ترین لکه‌ای در اثر عملکرد نادرست بر آن بنشیند، همه متوجه آن می‌شوند ضمن آنکه عملکرد غیرشفاف باعث کاهش اعتماد عمومی می‌شود به صورتی که بازگرداندن آن به جامعه به آسانی میسر نیست و بسیار پرهزینه و نیازمند گذشت زمان است. شفافیت مانع پنهان‌کاری و سوءاستفاده برخی اشخاص سودجو می‌شود و از واگذاری امکانات دولتی به اشخاص وابسته به خودشان پیشگیری و از گسترش خلافکاری‌های دیگر جلوگیری می‌کند. شفافیت در تصویب قوانین و تدوین شیوه‌نامه‌ها اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد و فاصله مردم و مسئولان را کاهش می‌دهد و باعث رونق اقتصادی می‌شود. شفاف‌سازی جلوی نابرابری درآمدها را می‌گیرد، توسعه‌یافتگی را تسریع و عدالت درآمدی را همگانی می‌کند. شفافیت رضایتمندی و رفاه عمومی و همبستگی ملی را گسترش می‌دهد. همه مردم کشور در هر موقعیت و جایگاه و مسئولیتی که هستند، باید مسیر شفاف‌سازی را هموار کنند و به شفاف‌سازان بپیوندند.

جستار

تکرار مکررات مشکلات تحصیلی

ادامه از صفحه یک

و ارتقای علمی است که متاسفانه از دولت نهم مقررات مربوط به آن دچار تغییرات فزاینده شده است. محتوای آیین‌نامه ارتقا به گونه‌ای است که ذینفعان را به فعالیت کمی علم و افزودن بر تعداد محصولات علمی خویش تشویق می‌کند. چگونه می‌توان پذیرفت که در یک دوره زمانی چهار ساله و به‌خصوص در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، افرادی با قریب به ۸۰ مقاله و چندین کتاب و تعداد کثیری راهنمایی رساله و پایان نامه، متقاضی ارتقاء به مرتبه بالاتر شوند و غالباً حتی چند مقاله مستقل نیز نداشته باشند. ۵ - یکی از دغدغه‌های اصلی دانشگاهیان، موضوع استقلال دانشگاه‌هاست و فلسفه وجودی هیات امنا در دانشگاه‌ها نیز بر همین مبنا بوده است ولی در عمل، استقلال واقعی وجود ندارد و هیات امناء مرکزی در وزارت علوم و مدیریت ارشد وزارتخانه، موارد و موضوع‌های مختلفی را به دانشگاه‌ها و هیات‌های امنا ابلاغ می‌کنند و با چنین رفتاری، استقلال دانشگاه‌ها، که لازمه رشد، شکوفایی وخلاقیت علمی در دانشگاه‌ها است، نقض می‌گردد. به نظر می‌رسد تدوین آیین‌نامه جامع استقلال دانشگاه‌ها و سپردن بخش قابل توجهی از اختیارات به هیات‌های امناء و مدیران دانشگاه‌ها و البته با نظارت دقیق وزارت علوم، می‌تواند سیستم مدیریت متمرکز فعلی را به عدم تمرکز در مدیریت تبدیل کند. و نتیجه آن ارتقای رتبه علمی کشور در منطقه متناسب با سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ خواهد بود. ۶ - لازمه خلاقیت علمی و نوآورانه که بتواند بسترهای لازم را برای تعالی و پیشرفت جامعه فراهم سازد و بر کیفیت تلاش‌ها و دستاوردهای علمی بیفزاید نداشتن دغدغه معیشت متناسب با شأن اعضای هیات علمی است. به‌رغم عملی شدن بخشی از قانون همسان‌سازی و بازنگری در حقوق و برخی از فوق العاده‌ها در سال گذشته و جاری، که موجب افزایش حقوق و مزایای دانشگاهیان شده است، ولی در همین ایام، تورم لجام گسیخته، حلاوت و تاثیر آن را در سبد معیشت خانوار از بین برده است بنابراین، توجه به امور رفاهی اعضای هیأت علمی و رفع موانع و محدودیت‌ها در این خصوص، می‌تواند فرصت تلاش مضاعف و هوشمندانه را برای آنها فراهم سازد ضمن اینکه مقایسه وضعیت حقوق و مزایای اساتید کشورمان حتی با برخی از کشورهای همسایه نیز معنی دار بودن تفاوت‌ها را نشان می‌دهد. ۷ - دو تیکه شدن آموزش عالی کشور در دو بخش پزشکی و غیرپزشکی، که در جهان بی‌نظیر و در عین حال غیرمتعارف است، اتفاقی است که در اواخر دهه ۶۰ رقم خورد و بخش قابل توجهی از نخبگان هر دو بخش پزشکی و غیرپزشکی بر آن معترض بوده و هستند که امیدوارم در دولت سیزدهم، اراده‌ای برای رفع این دوگانگی در آموزش عالی با همت رئیس جمهور محترم و دو وزیر مرتبط، همراهی نخبگان آزاد اندیش و دغدغه‌مند آموزش عالی کشور و نمایندگان مجلس فراهم شود.

فیض‌ا... عرب سرخی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

مجلس ناکارآمد- اختیارات محدود؛ دو مشکل عمده رئیسی

- حکومت نمی‌تواند برای همیشه از جریان اصلاحات بی نیاز بماند
- موفق نشدن دولت رئیسی به معنای بیشتر شدن گرفتاری‌های مردم است
- دولت سیاست وقت کشی در مذاکرات را در پیش گرفته است
- یکدست شدن قدرت تصمیمات را ساده می‌کند اما بهتر نمی‌کند
- جهت گیری دولت رئیسی در زمینه‌های کلیدی مشخص نیست
- اصلاح‌طلبان از برخی مطالبات مردم فاصله گرفته‌اند
- کسانی که زمینه‌های ناکارآمدی مجلس را به وجود آورده‌اند در کنار مجلس مقصرند

عکس: آرمان ملی/فاطمه فتاحی

آرمان ملی –احسان انصاری: رفتار اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ به عنوان یک مقطع تأثیر گذار در آینده کشور نیاز به تحلیل و بررسی دارد. این در حالی است که اصلاح‌طلبان در این انتخابات با تشکیل جبهه اصلاح‌طلبان ایران تلاش کردند در یک رویکرد دموکراتیک به تصمیم نهایی برای حضور در انتخابات برسند. هر چند ردصلاحیت کامل چهره‌های اصلاح‌طلب عملا این جریان را در شرایط رقابت عادلانه با جریان رقیب قرار نداد اما این پرسش وجود دارد که آیا در چنین شرایطی تصمیمات جریان اصلاحات به‌هنگام بود یا خیر. از سوی دیگر دولت سیزدهم در شرایطی کار خود را آغاز کرده که کشور با چالش‌های مختلفی مواجه است. این در حالی است که قدرت در کشور یکدست شده و در اختیار جریان اصولگرا قرار گرفته است. اینکه آیا یکدستی قدرت می‌توان به گرفتن تصمیمات سخت کمک کند یا خیر موضوعی است که در آینده مشخص خواهد شد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوعات با فیض‌ا... عرب سرخی فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

ارزیابی شما از رفتارشناسی اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ چیست؟ آیا اصلاح‌طلبان موفق شدند از ظرفیت‌های موجود در انتخابات به بهترین شکل استفاده کنند؟

جریان اصلاحات یک حزب نیست و نباید به عنوان یک حزب به آن نگاه کرد. اصلاحات یک جبهه و جریان فکری است که در جامعه وجود دارد. ما باید باور کنیم که روش اصلاح‌طلبی به عنوان یک شیوه با اندیشه‌های متفاوتی وجود دارد. این سخن به معنای این است که به همان شکل که این احتمال وجود دارد که یک مسلمان اصلاح‌طلب باشد به همان اندازه این احتمال وجود دارد که یک مارکسیست اصلاح‌طلب باشد. به همین دلیل نمی‌توان به حامیان تفکر اصلاح‌طلبی به عنوان یک جریان یکپارچه نگاه کرد. این وضعیت درباره جریان اصولگرایی وجود ندارد و نگاه‌های مختلف در این جریان به هم نزدیک است. به همین دلیل باید انتظاری که از جریان اصلاحات داریم را منطقی کنیم. نباید انتظاری که از یک حزب سیاسی داریم از جریان اصلاحات داشته باشیم. در انتخابات ۱۴۰۰ جبهه اصلاحات که شامل اصلاح‌طلبان مسلمان می‌شود که حول آقای خاتمی گرد آمده‌اند موفق به انجام اقداماتی شدند اما درباره حضور و یا عدم حضور در انتخابات به یک جمع بندی نهایی دست پیدا نکردند. به‌همین دلیل جبهه اصلاح‌طلبان عنوان کرد احزاب و گروه‌های سیاسی براساس تشخیص خود در انتخابات شرکت کنند. البته از بین ۴۱ رأیی که در جلسه حضور داشتند ۲۷ رأی به مشارکت در انتخابات رأی دادند. با این وجود به دلیل اینکه باید دو سوم آرا برای مشارکت اخذ می‌شد در نهایت این اتفاق رخ نداد. شرایط انتخابات ۱۴۰۰ سخت و پیچیده بود. به‌همین دلیل رفتار کسانی که در انتخابات شرکت کردند و کسانی که شرکت نکردند جای تأمل و واکاوی دارد و هر دو گروه محق بودند. من از جمله کسانی بودم که معتقد بودند باید در انتخابات شرکت کنیم. این دیدگاه در شرایطی بود که من مطمئن بودم که جریان اصلاحات در انتخابات کاندیدایی نخواهد داشت. با این وجود تجربه تاریخی به ما می‌گوید که در رأی ندادن تجربه مثبتی نداشته‌ایم و دستاوردی به دست نیاورده‌ایم. در رأی دادن گاهی دستاوردهایی داشته‌ایم و گاهی نیز نداشته‌ایم. فکر می‌کردم حتی اگر روزنه کوچکی وجود داشته باشد که ما بتوانیم در انتخابات تأثیر بگذاریم بهتر است در انتخابات شرکت کنیم. در چنین شرایطی اگر کسی چنین دیدگاهی نداشت و به این نتیجه رسید که نباید در انتخابات شرکت کند جای نقد ندارد. ممکن است چنین فردی با توجه به شرایط کشور به این نتیجه رسیده که در شرایط کنونی رأی ندادن وی کنش بهتری خواهد بود. به همین دلیل نمی‌توان به وی نقد وارد کرد.

به دلیل اختلاف دیدگاهی که در بیم طیف‌های مختلف جریان اصلاحات وجود داشت جبهه اصلاحات ایران تشکیل شد. این جبهه به چه میزان در هماهنگی جریان اصلاحات موفق بود؟

این جبهه در گام آخر موفق عمل نکرد و نتوانست به یک اجماع نهایی دست پیدا کند. باید بین جریان اصلاحات و جبهه اصلاح‌طلبان تمایز قائل شد. در جامعه افراد زیادی به عنوان اصلاح‌طلب موضع گیری می‌کنند که ربطی به جبهه اصلاح‌طلبان ندارند. این در حالی است که جبهه اصلاحات از افراد و احزاب مشخصی شکل گرفته است. کسی نمی‌تواند به دیگری بگوید چرا از عنوان اصلاح‌طلبی برای خود استفاده کرده‌اید. جریان اصلاحات یک جریان گسترده و متکثر در جامعه است. کسانی عامدانه جریان اصلاحات را با جبهه اصلاح‌طلبان یکی قلمداد می‌کنند تا فضا را مغشوش کنند. از نظر من هر فردی بدون اینکه در مبانی فکری مانند دیگری باشد می‌تواند از روش‌های اصلاح‌طلبی استفاده کند.

در انتخابات ۱۴۰۰ جبهه اصلاح‌طلبان در رأس هرم جریان اصلاحات قرار گرفته بود و تصمیماتی که می‌گرفت روی بدنه تأثیرگذار بود. شرایط به شکلی نبود که بدنه روی رأس هرم تأثیر بگذارد. به همین دلیل عملکرد جبهه اصلاح‌طلبان ایران در مقطع تاریخی ۱۴۰۰ برای آینده جریان اصلاحات تأثیرگذار خواهد بود. در چنین شرایطی آیا می‌توان عملکرد جبهه اصلاح‌طلبان را قابل قبول قلمداد کرد؟

جبهه اصلاح‌طلبان در شرایطی که همه کاندیداهای مورد نظر ردصلاحیت شده بودند برای مشارکت و یا عدم مشارکت در انتخابات به یک جمع بندی نهایی نرسید. اگر یکی از کاندیداهای مورد نظر جبهه اصلاح‌طلبان تأیید می‌شد شرایط تغییر می‌کرد. در چنین شرایطی عده ای معتقد بودند در شرایطی که کاندیدایی در انتخابات نداریم آیا بهتر است در انتخابات شرکت کنیم و یا خیر و عده دیگری که معتقد بودند در انتخابات شرکت کنیم. در این موضوع بود که جبهه اصلاح‌طلبان نتوانست به نتیجه برسد. برخی تمام تلاش خود را انجام دادند تا در انتخابات ۱۴۰۰ همه نهادهای انتخابی را از کارآیی بیندازند. به‌همین دلیل نیز مجلس به یک مجلس ناکارآمد تبدیل شده است. مجلس یازدهم با شعار بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی روی کار آمد. این در حالی است که تاکنون که نزدیک به دو سال از عمر این مجلس می‌گذرد هنوز نتوانسته تصمیمات موثری در زمینه وضعیت اقتصادی مردم بگیرد. دلیل این وضعیت نیز ناکارآمدی و ناتوانی مجلس در تصمیم گیری‌هاست. به همین دلیل کسانی که زمینه‌های نارکارآمدی این مجلس را به وجود آورده‌اند نیز در کنار مجلس مقصر هستند. در انتخابات ۱۴۰۰ نهادهای انتخابی در محاصره‌هایی قرار گرفتند که از کارآیی ساقط شدند. این وضعیت بر روی حضور و یا عدم حضور مردم در انتخابات تأثیر گذار است. مردم حق دارند هنگامی که به فردی رأی داده‌اند کارآیی لازم را ندارد و یا اینکه اجازه نمی‌دهند به تعهداتی که به مردم داده عمل کند به اصل انتخابات بدبین شوند. در این زمینه نقدی به مردم وارد نیست. با این وجود کسانی که شرایط به وجود آمدن چنین وضعیتی را مهیا کردند، باید پاسخگو باشند.

> آقای رئیسی با چالش‌هایی مواجه است که آقای روحانی با آن مواجه بود. تنها تفاوت این است که در مسیر حرکت دولت آقای روحانی کارشکنی‌هایی صورت می‌گرفت که این کارشکنی‌ها در مسیر دولت رئیسی وجود ندارد

پس از انتخابات ۱۴۰۰ جریان اصلاحات با چه چشم اندازی مواجه خواهد بود؟ چرا پس از انتخابات هیچ کنش موثری از سوی اصلاح‌طلبان وجود ندارد و یا هیچ اقدامی در بازنگری در برخی رویکردهای گذشته صورت نمی‌گیرد؟

در یک مقطع زمانی جریان اصلاحات می‌تواند در درون قدرت و از طریق مشارکت در تصمیم گیری‌های داخلی حکومت تأثیرگذار باشد و در مقابل در یک مقطع زمانی جریان اصلاحات از قدرت خارج شده و به‌همین دلیل باید از طریق رسانه‌ها و تریبون‌هایی که در اختیار دارد با نقد حکومت و پیشنهادهای سازنده به جامعه تأثیرگذاری خود را نشان بدهد. اصلاح‌طلبان معتقد هستند هر دو رویکرد باید به صورت همزمان صورت بگیرد. با این وجود شرایطی به‌وجود آمده که اصلاح‌طلبان دیگر در تصمیم گیری‌های حکومت نقشی نخواهند داشت و تنها می‌توانند انتقادات و پیشنهادات خود را مطرح کنند. با این وجود نمی‌توان شرایطی را در نظر گرفت که حکومت هیچ گاه احساس نیاز نکند و دست از این روش‌ها بردارند. فعالیت اصلاح‌طلبان همچنان در فضای سیاسی کشور ادامه خواهد داشت و این جریان تلاش خواهد کرد با استفاده از رسانه‌ها و افکار عمومی دیدگاه‌های خود را به حکومت انتقال بدهد.

چه نقدهایی به جریان اصلاحات وارد می‌دانید؟

هر جریان سیاسی اگر تلاش نکند خود را با انتظارات جامعه هماهنگ کند و آنها را نمایندگی نکند جایگاهی در جامعه پیدا نمی‌کند و بلکه ممکن است جایگاه خود را نیز از دست بدهد. به‌صورت طبیعی مردم از جریانی حمایت می‌کنند که بخش‌های مهمی از مطالبات آنها را نمایندگی کند. این در حالی است که جریان اصلاحات در برخی مسائل از جامعه فاصله گرفته است. این فاصله به معنای این است که مردم مطالبات و انتظارات جدیدی پیدا کرده‌اند در حالی که اصلاح‌طلبان همچنان روی شعار گذشته خود تأکید دارند. به همین دلیل جریان اصلاحات باید انتظارات کنونی مردم را بررسی کند تا مشخص شود اصلاح‌طلبان چه میزان از مطالبات مردم را می‌توانند نمایندگی کنند. اصلاح‌طلبان باید در این زمینه تلاش کنند تا شرایطی را به وجود بیاورند که بتوانند بخش مهمی از مطالبات مردم را نمایندگی کنند. تنها در چنین شرایطی است که می‌توان فاصله ایجاد شده را کاهش داد و از بین برد.

در شرایط کنونی قدرت به صورت یکدست در اختیار اصولگرایان قرار گرفته است. آیا این شرایط تصمیم‌گیری‌های سخت را برای کشور آسان تر می‌کند و یا یک تهدید به شمار می‌رود؟

یکدست شدن قدرت در برخی زمینه‌ها تصمیم گیری‌ها را ساده‌تر می‌کند اما تصمیم گیری‌ها را بهتر نمی‌کند. بدون تردید تصمیمی که با نقد و بحث گرفته شود پخته‌تر و بهتر از تصمیمی خواهد بود که عده‌ای هم نظر می‌گیرند. امروز ما در شرایطی قرار نداریم که تصمیم بگیریم و بلکه کسانی که قرار بوده تصمیم بگیرند این کار را انجام داده‌اند و قدرت را یکدست کرده‌اند. به‌همین دلیل نیز کسانی که چنین تصمیمات را اتخاذ کرده‌اند باید نسبت به تصمیمات خود پاسخگو باشند. آقای روحانی بارها اعلام کرد اجازه نمی‌دهند برخی تصمیمات گرفته شود. کسی هم در این زمینه پاسخگو نبوده است. شرایط به شکلی بود که در صداوسیما به صورت علنی با تصمیمات دولت آقای روحانی مخالفت می‌شد. این در حالی است که قیمت‌ها در دولت سیزدهم پایین نیامده و همچنان سیر صعودی دارد. با این وجود صداوسیما این گرانی‌ها را متوجه دولت جدید نمی‌کند و بلکه آن را توجیه می‌کند. هنگامی که کشور مورد تحریم قرار می‌گیرد و مراودات اقتصادی ایران و کشورهای خارجی کاهش پیدا می‌کند اقتصاد کشور کوچک می‌شود و این وضعیت نیز به معنای کاهش درآمد مردم و افزایش هزینه‌های زندگی است. خروجی تصمیماتی که در شرایط یکدستی قدرت اتخاذ می‌شود حتما ضعیف‌تر خواهد بود. تصمیم گیری در این شرایط ساده‌تر خواهد بود و کسی نمی‌تواند مدعی شود قصد داشتم فلان کار را انجام بدهم اما عده‌ای مانع من شدند. اصولگرایان باید بتوانند در چنین شرایطی مشکلات را حل کنند. اگر نتوانند مشکلات را حل کنند نشان دهنده این است که مشکل در جای دیگری قرار دارد. جایی که در دولت قبل گفته می‌شد اما به آن توجه نمی‌شد.

هنوز استراتژی دولت رئیسی در زمینه‌های مختلف و از جمله سیاست خارجی و اقتصاد مشخص نشده است. با این وجود با انتخاب‌هایی که در این زمینه‌ها صورت گرفته تاحدودی می‌تواند شرایط را پیش بینی کرد که دولت قرار است در این زمینه‌ها در چه مسیری حرکت کند. آیا افرادی که برای اعضای دولت انتخاب شدند با شرایط موجود کشور متناسب هستند؟

کابینه آقای رئیسی یک کابینه شناخته نشده است و زیاد نمی‌توان مشخص کرد که از دل چنین کابینه‌ای با این سطح از تجربه چه نتیجه‌ای بیرون خواهد آمد. هنوز جهت گیری دولت در زمینه‌های مختلف مشخص نیست. به‌عنوان مثال هنوز مشخص نیست که هدف گذاری تیم اقتصادی دولت به چه سمتی خواهد بود. ظواهر امر نشان نمی‌دهد که کابینه رئیسی توانمند باشد. این در حالی است که کشور در یک وضعیت سخت و پیچیده قرار دارد. امروز ما در وضعیت بحرانی قرار داریم. آرزو می‌کنم دولت بتواند در کار خود موفق شود. بدون تردید اگر دولت سیزدهم موفق نشود گرفتاری‌های مردم و کشور بیشتر خواهد شد و من دوست ندارم گرفتاری‌های مردم و کشور بیشتر شود. متأسفانه نشانه‌های آن نیز نه در رویکردها و نه مهره چینی‌ها مشاهده نمی‌کنم. هنگامی که مشاهده می‌شود مذاکرات هسته‌ای با تأخیر مواجه شده که دلایل خاص خود را دارد و یا از افراد باتجربه‌تر در جریان اصولگرایی استفاده نشده نمی‌توان چشم انداز روشنی را پیش روی دولت مشاهده کرد.

دلیل تأخیر در مذاکرات هسته‌ای چه بوده است؟ آیا دولت رئیسی هنوز در این زمینه به تصمیم مناسب نرسیده و یا اینکه از این طریق به دنبال امتیازگیری از طرف مقابل هستند؟

در شرایط کنونی سیاست وقت کشی در دولت سیزدهم نسبت به مذاکرات هسته‌ای قابل مشاهده است. مدت‌هاست برای همه مشخص بوده که آقای رئیسی قرار است رئیس جمهور شود. در نتیجه سیاست وقت کشی بدون دلیل در دستور کار قرار نگرفته است. اینکه کاری کنیم که طرف مقابل خسته شود و میز مذاکره را ترک کند و ما عنوان کنیم ما میز را ترک نکرده‌ایم و خواستار مذاکره هستیم نمی‌تواند چشم انداز روشنی را پیش روی مذاکرات قرار بدهد. برجام با اقتصاد کشور گره خورده است و دولت رئیسی باید این واقعیت را درک کند. تنها در شرایطی که دولت و حامیانش به این نتیجه برسند که این وضعیت اشکالی ندارد ادامه پیدا کند و کم کم بدتر نیز شود، می‌توان به این سیاست ادامه داد. برجام با هر عیب و ایرادی که داشته ابتکار عمل را از آمریکا و شورای امنیت گرفته است. به‌هم خوردن برجام به معنای بازگشت پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت خواهد بود. کسانی که به دنبال ورود ایران به مذاکرات نیستند باید به پیامدهای منفی این رویکرد به‌خوبی بیندیشند.

> کابینه آقای رئیسی یک کابینه شناخته نشده است و زیاد نمی‌توان مشخص کرد که از دل چنین کابینه‌ای با این سطح از تجربه چه نتیجه‌ای بیرون خواهد آمد. هنوز جهت‌گیری دولت در زمینه‌های مختلف مشخص نیست. به هنوز مشخص نیست که هدف‌گذاری تیم اقتصادی دولت به چه سمتی خواهد بود

چه چالش‌هایی پیش روی دولت رئیسی می‌بینید؟

آقای رئیسی با چالش‌هایی مواجه است که آقای روحانی با آن مواجه بود. تنها تفاوت این است که در مسیر حرکت دولت آقای روحانی کارشکنی‌هایی صورت می‌گرفت که این کارشکنی‌ها در مسیر دولت رئیسی وجود ندارد. البته بخش‌های مهمی از این چالش‌ها قابل حل است که برخی نیازمند برنامه ریزی‌های بلند مدت است اما برخی در کوتاه مدت نیز قابل حل است. امیدواریم به آقای رئیسی اختیارات ویژه داده شود تا بتواند مشکلات را حل کند. با این وجود واقعاً نمی‌دانم در آینده چه اتفاقی رخ خواهد داد و دولت در چه مسیری قرار است حرکت کند. مجموعه شرایط را که مشاهده می‌کنم، نمی‌توانم به‌صورت قاطع بگویم این اتفاق رخ خواهد داد. اصولگرایان نمی‌خواستند این اقدامات توسط اصلاح‌طلبان و دولت روحانی انجام شود تا این موفقیت‌ها به نام اصلاحات ثبت شود. ما می‌گوییم اشکال ندارد خودشان انجام بدهند تا مشکلات مردم و کشور حل شود.

امیرعلی ابوالفتح در گفت و گو با «آرمان ملی»:

پیوستن به پیمان شانگهای اثرات مثبت زیادی دارد

- توافق با آژانس گام اول بود، باید گام‌های بعدی را برداشت
- مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا، منجر به خطا در انتقال پیام‌ها می‌شود
- اسرائیل از مواضع خود در قبال برجام عقب‌نشینی کرد

آرمان ملی – علیرضا پورحسین: سرانجام شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به بحث در خصوص مسائل مرتبط با ایران در این جلسه پایان داد. دیدگاه کلی کشورها در نشست شورای حکام این بود که زمان آن رسیده که تهران به همکاری با آژانس شدت ببخشد تا به مشکلات قابل توجه خاتمه دهد. حکام همچنین خواستار از سرگیری مذاکرات وین شدند. همچنین مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در بیانیه خود اعلام کرد که ایران هنوز درباره ذرات کشف شده آلوده به مواد هسته‌ای در سه مکان اعلام نشده توضیحی ارائه نداده و نسبت به این موضوع ابراز نگرانی کرده است. این در حالی است که نماینده دائم ایران در سازمان‌های بین‌المللی در وین به این صحبت‌ها واکنش نشان داد و گفت که تاسف برانگیز است که به‌رغم توضیح مکتوب ایران در خصوص وجود آلودگی اورانیوم تهی شده در ۲۶ می ۲۰۲۱ در یکی از مکان‌ها، آژانس کماکان عنوان می‌دارد که ایران هنوز توضیحی ارائه نکرده است. ایران در این خصوص در گزارش خود گفته است که هیچ سابقه‌ای از فعالیت هسته‌ای مشاهده نشده است. ظاهرا این رویه غلط آژانس است که هر زمان به بستن یک موضوع نزدیک می‌شویم، سؤالات جدیدی را مطرح می‌کند تا با یک فرآیند باز و بی انتها مواجه شویم. برخی این رویه را منتسب به کشورهایی می‌دانند که در ظاهر می‌خواهند مشکل ایران و آژانس حل شود اما در باطن هم در مذاکرات وین و هم در شورای حکام بازی متفاوتی از خود نشان می‌دهند. بازیگرانی که حتی ایران را در پیوستن به پیمان شانگهای نیز ترغیب می‌کنند. در راستای بررسی این مساله «آرمان ملی» با امیر علی ابوالفتح، تحلیلگر ارشد مسائل بین الملل گفت و گویی داشته است که در ادامه می‌خوانید.

توافق ایران و آژانس تا چه میزان مسیر را برای رسیدن به توافق در مذاکرات احیای برجام هموار کرد؟

یک نکته بسیار مهم وجود دارد و باید توجه داشت که توافق ایران و آژانس گام نخست بوده و هنوز اتفاق خاصی در مذاکرات وین رقم نخورده است. باید گام‌های بعدی نیز برداشته شود تا این مسیر هموار شود. اگر ایران و آژانس به توافق نمی‌رسیدند یک مانع جدید در مسیر مذاکرات احیای برجام به وجود می‌آمد و امروز این اتفاق رخ نداد. توافق وین امروز رابطه مستقیمی با اراده ایران و آمریکا دارد و آژانس در این میان کمترین نقش را ایفا می‌کند. آژانس کمک کننده است تا دیپلماسی تداوم داشته باشد اما تصمیم نهایی را کشورها اتخاذ می‌کنند. مواضع ایران نیز نسبت به پیش از انتخابات ریاست جمهوری تغییری نکرده و به دلیل فاصله زیادی که بین مواضع ایران و آمریکا وجود دارد، به نظر نمی‌رسد که مذاکرات به سرعت شروع شود و به نتیجه رسد و حتی اگر هم در دوره‌هایی مذاکرات انجام شود، اگر طرفین همچنان بخواهند به مواضع خود پافشاری کنند، شانسی برای توافق وجود نخواهد داشت و در حال حاضر نمی‌توان چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای برای آینده مذاکرات متصور شد.

آیا مذاکره مستقیم با آمریکا می‌تواند کمک کننده در رویه مذاکرات احیای برجام باشد؟

الزاما این گونه نیست زیرا این احتمال وجود دارد که گفته‌های ایران به صورت دقیق منتقل نشود و اشتباه‌هایی رخ دهد که مسیر مذاکرات را سخت کند اما مشخصا مذاکره مستقیم با آمریکا گره گشای مشکلات نیست. یکی از آفت‌های مذاکره غیرمستقیم، از دست دادن زمان است. مذاکرات غیرمستقیم رویه گفت و گوها در خصوص احیای برجام را طولانی می‌کند و این به نفع هیچ یک از طرفین نیست. آنچه سبب می‌شود تا ایران و آمریکا به توافق برسند این است که دو طرف از برخی خطوط قرمز خود عدول کنند. باید توجه داشته باشند که تمامی خواسته‌ها در مذاکرات به دست نمی‌آید و اگر این باور در میان طرفین نهادینه شود، گام بزرگی در مسیر احیای برجام برداشته خواهد شد. اگر مذاکرات مستقیم باشد اما طرفین از خواسته‌هایی که دارند، کوتاه نیایند، باز هم شاهد یک بن بست خواهیم بود. بنابراین مذاکره مستقیم شرط کافی برای رسیدن به تفاهم نیست. موضوع فراتر از دیدار مستقیم است. امروز مشکل آمریکا این است که آیا پس از احیای برجام و رفع تحریم‌ها، ایران خواهد پذیرفت مذاکراتی در مورد مسائل نظامی و منطقه‌ای هم انجام شود یا خیر. زیرا ایران اعلام کرده چنین تصمیمی ندارد، بنابراین آمریکایی‌ها نیز در خصوص بازگشت به برجام با اما و اگرهایی مواجه شده‌اند و تضمین‌هایی در خصوص برخی موارد می‌خواهند.

ممکن است برخی طرف‌ها به واسطه انجام مذاکرات غیرمستقیم، در مسیر احیای برجام کارشکنی کنند؟

ما در مذاکرات احیای برجام با نماینده اتحادیه اروپا، روسیه، چین، بریتانیا، آلمان و فرانسه مواجه هستیم. این ۶ طرف ممکن است پیام‌ها را گاهی خوب منتقل نکنند اما مشخصا نمی‌توانند پیامی به دروغ منتقل کنند. کارشکنی اصلی را کشورهایی انجام می‌دهند که دور این میز ننشسته‌اند و پیام‌های اشتباه از سوی ایران به آمریکا منتقل می‌کنند. امروز در میز مذاکرات وین این اراده وجود دارد که سریع تر مذاکرات به سرانجام برسد و تخریب‌هایی که بعضا شاهد آن هستیم از سوی کشورهای دیگر است. در گذشته و زمانی که ایران و آمریکا با یکدیگر به صورت مستقیم در خصوص برجام ۲۰۱۵ مذاکره می‌کردند، کشوری همچون فرانسه کارشکنی می‌کرد و این یک کانال مجزا است که کشورها علیه مذاکرات ایجاد کرده‌اند.

وزیر دفاع اسرائیل گفته است که به صورت موقت با برجام مشکلی نخواهند داشت. آمریکا توانسته اسرائیل را راضی کند و این صحبت‌ها را باید یک عقب نشینی تلقی کرد؟

مشخصا اسرائیل از مواضع خود علیه برجام عقب نشینی کرده است. این عقب نشینی آشکار به این علت است که دیگر چاره‌ای جز این ندارند و مقاومت در برابر یک امر محال می‌کردند. آنها با چند فرض مواجه بودند. ایران بدون اینکه مانعی وجود داشته باشد به برنامه هسته‌ای خود ادامه می‌دهد و هر روز در این مسیر پیشرفت می‌کند و هیچ کشوری نمی‌تواند مانع آن شود. از سوی دیگر نیز آمریکا بر این باور است که باید از طریق برجام برنامه هسته‌ای ایران کنترل شود. اسرائیل به این نتیجه رسیده است که مخالفت با برجام بیش از آنکه فشاری علیه ایران باشد، روابط تل آویو و واشنگتن را خدشه دار می‌کند. به همین علت ترجیح داده‌اند که بیش از این در مقابل تصمیم کلانی که گرفته شده است، مقاومت نکنند. آنها در راستای اینکه بگویند نظرشان همچنان مهم است، عنوان می‌کنند که شروطی برای آمریکا گذاشته‌اند. باید توجه داشت که اگر مذاکرات احیای برجام نیز به نتیجه نرسد، نه آمریکا امروز آماده مقابله سخت با ایران است و نه اسرائیل می‌تواند چنین اقدامی انجام دهد. آنها برای جلوگیری از آبروریزی می‌گویند موقتا پذیرفته‌اند. آنها اگر می‌توانستند علیه ایران اقدام جدی انجام دهند قطعا تا به امروز این کار را انجام می‌دادند. امروز ایران چندین کیلو اورانیوم غنی شده دارد و غنی سازی ۶۰ درصد نیز کرده است اما نمی‌توانند اقدامی علیه ایران انجام دهند. این ها ژست‌هایی سیاسی است تا خود را در موضعی بالاتر نسبت به دیگران نشان دهند. پرونده حمله نظامی در خصوص ایران بسته شده است و صرفا لفاظی‌هایی صورت می‌گیرد تا بگویند همچنان دست برتر را دارند در حالی که این گونه نیست. هر زمان یک مقام اسرائیلی و یک آمریکایی با هم دیدار می‌کنند، از سطح روسای دولت‌ها تا پایین ترین سطح همیشه محور ایران و راه‌های مقابله با آن است. این به هیچ عنوان جدید و عجیب نیست و این بار نیز می‌خواهند با بیان الفاظی همچون برنامه منظم و یا برنامه موقت بالا بودن سطح دغدغه در این حوزه را بیان کنند. آنها همیشه برای ایران برنامه داشته‌اند که البته هیچ گاه به نتیجه نرسیده است. بنابراین سخنان مقامات اسرائیلی تنها جنجال رسانه‌ای و فاقد اهمیت است اما موضع وزیر دفاع اسرائیل نشان داد که آنها عقب نشینی نیز کرده‌اند.

پس از عقب نشینی اسرائیل، مانع دیگری در مسیر احیای برجام وجود ندارد؟

اگر آمریکا تصمیم واقعی داشته باشد که با ایران به تفاهم رسیده و انتظارات تهران را برآورده کنند، بایدن می‌تواند بر مخالفت‌های داخلی نیز غلبه کند. به این علت که قرار نیست موضوع در سنا به تصویب برسد، مخالفتش هم چندان اهمیتی ندارد. اصل برجام در کنگره به رای گذاشته نشد. الان بحث بر سر بازگشت آمریکاست که نیاز به تایید ندارد. اگر در آینده دولت دموکرات‌ها شکست بخورد و دولت جمهوری خواهان در سال ۲۰۲۴ سر کار بیاید، ماجرای ترامپ دوباره احتمالا تکرار می‌شود. با فرض اینکه ایران و آمریکا بر سر برجام تا آن زمان به توافق رسیده باشند، دولت جمهوریخواه می‌تواند به همان راحتی از برجام بیرون بیاید. امروز ایران تاکید دارد که تاییدیه‌ای را بگیرد اما نظام حقوقی آمریکا چنین توانی را ندارد که برای رئیس جمهور بعدی تعیین تکلیف کند و هیچ تعهدی توسط دولت مستقر نمی‌تواند برای دولت بعدی الزام آور باشد. در ایران هم اینکه تنها بخشی از تحریم‌ها از آن‌گونه که دیپلمات‌ها می‌گویند برداشته شود، مورد قبول کسی واقع نشده است. در شرایط پیچیده‌ای که بر سر تحریم‌های پیش آمده چه شرایطی باید ایجاد شود تا دو طرف به یک نقطه مشترک برسند و تحریم‌ها علیه کشورمان لغو شوند، چالش زیاد است. آمریکا با برداشته شدن تمام تحریم ها مشکلی ندارد. اما آنها می‌خواهند خواستشان برآورده شود. یعنی ما به ازای آن این است که ایران بپذیرد هم در متن برجام و هم در موضوعات فرا برجامی تغییر صورت گیرد. یعنی ایران مثلا بپذیرد در آینده وارد گفت‌وگوهایی با ۱+۵ شود که برای مثال در زمانبندی فعلی تغییراتی ایجاد شود. در حوزه منطقه‌ای هم آنها می‌خواهند ایران آمادگی خود را برای گفت و گو اعلام کند. در چنین شرایطی آمریکایی‌ها حاضرند که همه تحریم‌های مدنظر ایران را بردارند اما مساله این است که تهران حتی به ازای برداشته شد کامل تحریم‌ها حاضر نیست که این شرایط را بپذیرد. چون معتقدند که این کار منافع ملی ایران را به خطر خواهد انداخت.

پیوستن ایران به پیمان شانگهای می‌تواند اتفاق خوبی باشد و آیا موضع چین و روسیه را در مساله هسته‌ای تغییر می‌دهد؟

مجموعا این یک اتفاق خوب است و باید توجه داشت که پیوستن به پیمان شانگهای اثرات مثبت زیادی می‌تواند داشته باشد. از سوی دیگر روسیه و چین در خصوص پرونده هسته‌ای ایران بر این باور هستند که به عنوان یک عضو دائم شورای امنیت که به طور رسمی توانمندی هسته‌ای آنها به رسمیت شناخته شده و به عنوان یکی از ۵ عضو پیمان NPT به معنی منع اشاعه تسلیحات هسته ای متعهد هستند که جهان را از گسترش سلاح هسته‌ای دور کنند. براساس همین عضویت، روس‌ها این موضع را دارند که در خصوص هر اقدام نظامی در حوزه هسته‌ای واکنش نشان دهند و حتی وارد اقدامات عملی شوند که در این مسیر سلاح‌های هسته‌ای در جهان اشاعه پیدا نکند و طبیعتا این رویکرد موضع اصولی روس هاست. همان طور که آمریکا، بریتانیا، فرانسه و چین نیز چنین نقشی را در فضای بین المللی دارند و براساس NPT موظفند اجازه ندهند کشورها به سمت سلاح هسته‌ای حرکت کنند از این جهت اگر هر اقدامی از طرف ایران یا هر کشور دیگری در جهت دستیابی به سلاح هسته ای صورت گیرد حداقل کاری که این ۵ کشور موظف به انجام آن هستند ابراز نگرانی و صدور بیانیه و محکوم کردن است. از منظر دیگر روسیه و چین برخلاف آمریکا، فرانسه و بریتانیا نگاه متفاوتی به اقدامات برجامی ایران دارند از نظر آمریکا، فرانسه و بریتانیا گام‌های ایران بعد خروج آمریکا از برجام همگی نقض برجام است و آنها در جهت مهار ایران در این مسیر نیز اقداماتی انجام دادند مثلا آمریکایی‌ها تحریم‌های بیشتری اعمال کردند و یا اروپا به تعهدات برجامی خود عمل نکرد اما از نظر روسیه و چین گر چه در صورتی که فعالیت‌های ایران به سمت نظامی برود نگران کننده است و باید محکوم شود اما آنها معتقدند این اقدام در حقیقت اقدامی واکنشی از طرف ایران است که در قبال خروج آمریکا از برجام صورت گرفته و به محض برگشت آمریکا به این توافق نامه ایران این برنامه هسته‌ای را تعدیل خواهد کرد و در چارچوب برجام حرکت می‌کند. به همین دلیل است وقتی اخبار دستیابی ایران به غنی سازی ۶۰ درصد یا افزایش ذخیره اورانیوم ۶۰ درصدی منتشر می‌شود طبیعتا به معنی کاهش زمان ایران برای رسیدن به سلاح هسته‌ای است و روسیه بیانیه می‌دهد و ابراز نگرانی می‌کند.

ایران عضو اصلی شانگهای شد

بیست و یکمین نشست سران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای با حضور مقامات بلندپایه کشورهای منطقه از جمله رئیس جمهوری اسلامی ایران برگزار شد. ایران از سال ۲۰۰۵ عضو ناظر این سازمان بوده و برای عضویت کامل درخواست داده بود که سرانجام مورد پذیرش قرار گرفت.

اعضای اصلی

چین، روسیه، قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان، هندوستان، پاکستان، ایران

اعضای ناظر

مغولستان، بلاروس، افغانستان

شرکای گفت‌وگو

آذربایجان، ارمنستان، ترکیه، نپال، کامبوج، سریلانکا

هدف سازمان

برقراری موازنه در برابر نفوذ آمریکا و ناتو در منطقه
همکاری‌های سیاسی-امنیتی، اقتصادی و فرهنگی میان اعضا

حجم اقتصادی: ۲۰ تریلیون دلار
حجم تجارت خارجی: ۶٫۶ تریلیون دلار
جمعیت: ۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون نفر

یادداشت

شانگهای و تکمیل نگاه ایران به شرق

علی اصغر زرگر
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

سازمان همکاری شانگهای که در سال ۲۰۰۱ میلادی از سوی کشورهای چین و روسیه و چهار کشور قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان پایه گذاری شد، اکنون در سال ۲۰۲۱ با نهایی شدن مراحل عضویت هندوستان، پاکستان و ایران و سه عضو ناظر مغولستان، افغانستان و بلاروس گستره جغرافیایی بسیار وسیع تری به خود گرفته است. این سازمان از درون رقابت قدرت های بزرگ بر سر منطقه ژئوپولتیک آسیای میانه ظهور کرد و در واقع در پاسخ به بر قرار کردن موازنه در برابر نفوذ آمریکا و ناتو در این منطقه پایه گذاری شده است. در این شکی نیست که نقش دو قدرت چین و روسیه در اهداف این سازمان تعیین کننده است. اهداف رسمی سازمان بسیار گسترده است و شامل مسائل امنیتی در آسیای میانه به خصوص، تروریسم، جدایی‌طلبی، و افراط گرایی، همکاری های اقتصادی، افزایش سطح بازرگانی و همکاری های بانکی برای فراهم کردن سرمایه جهت طرح های مشترک سرمایه گذاری، همکاری های فرهنگی و نهایتا تشکیل باشگاه مشترک انرژی است که از خواسته های روسیه محسوب می‌شود. بنابراین سازمان شانگهای یک نهاد منطقه‌ای برای همکاری های چند جانبه در حوزه های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی و با تاکید بر حفظ و ثبات مرزها و حاکمیت ملی کشورها است. این سیاست‌ها در مخالفت با سیاست‌های یکجانبه گرایی ایالات متحده آمریکاست. از اهمیت تشکیل این سازمان و اهداف همه جانبه آن همین بس که مساحت کل سرزمین های تحت حاکمیت کشورهای عضو و ناظرین بیش از ۳۵ میلیون کیلومتر مربع و با جمعیتی بیش از سه میلیارد یا حدودا بیش از ۴۰ درصد جمعیت دنیا را در بر می گیرد. از این رو باید گفت که این سازمان ظرفیت بسیار فراوانی در شکل گیری ساختارهای امنیتی حوزه پیرامونی خودش خواهد داشت و برگزاری نشست در روزهای ۱۶ و ۱۷ سپتامبر خود گویای تلاش اعضای این سازمان برای ایفای نقشی فعالانه تر در بحران های منطقه به خصوص افغانستان است. خروج نیروهای آمریکا و ناتو از افغانستان و تسلط گروه طالبان بر این کشور از تحولات مهمی است که شایسته توجه سازمان خواهد بود. اگر چه این سازمان به‌صورت آشکار به دنبال تقابل با منافع هیچ کشوری نبوده و رسما هدف همکاری‌های چند جانبه برای حفظ امنیت را پیگیری کرده است ولی واقعیت این است که محور روسیه و چین به انضمام ایران به نوعی در حال حرکت به سمت تقابل با نفوذ آمریکا در منطقه هستند. با توجه به گستردگی جغرافیایی و اهداف سازمان، عضویت رسمی و کامل ایران در این سازمان حامل اثرات سیاسی، امنیتی و اقتصادی فراوانی است. از سوی دیگر ایران مدت ها است که یکی از حامیان جدی برنامه بعضی از کشورهای عضو به‌ویژه روسیه در مقابله با تروریسم و مواد مخدر بوده است و اکنون عملا به این هدف سازمان پیوسته است. ایران همچنین عملا در مسیر کریدور شمال به جنوب و شرق به غرب قرار دارد که می تواند نقش تاریخی خود را با وجود بدخواهی بعضی از کشورها ایفا کند. علاوه بر این، منابع غنی انرژی نفت و گاز ایران که مورد نیاز چین و هند، دو عضو پر جمعیت سازمان است همراه با همکاری های استراتژیک ایران با این دو کشور و در کنار همکاری‌های امنیتی شانگهای، نگاه و رویکرد ایران به شرق را تکمیل می کند. همکاری‌های اقتصادی ایران و چین از یک طرف و ایران و روسیه از طرف دیگر در قالب قراردادهای درازمدت، در صورتی که با توسعه و سرمایه گذاری های داخلی ایران همراه شود، راهگشای بسیاری از مسایل اقتصادی و توسعه‌ای سریع ایران خواهد شد. نهایتا عضویت ایران در سازمان شانگهای به عنوان یک نهاد قدرتمند منطقه‌ای که در تقابل با نفوذ و یکجانبه گرایی آمریکا و ناتو و تضعیف هژمونی آنها در جهان است، می‌تواند موضع ایران را در خاورمیانه تقویت کند و حتی در مذاکرات برجامی که روسیه و چین دو عضو دایمی شورای امنیت سازمان‌ملل شرکت دارند، امتیازات بیشتری برای لغو تحریم ها از آمریکا اخذ کنند.

نگاه

سال نکوی زاکانی از بهارش پیدا می‌شود!

احمد زیدآبادی
روزنامه‌نگار و فعال سیاسی

صحنهٔ هجوم دختر بچه‌ها و پسر بچه‌ها به خودروها برای پاک کردن شیشهٔ آنها در سرِ چهار راه‌ها، منظره‌ای کاملاً آشنا و عادی برای شهروندان تهرانی است. عموم شهروندان این پدیده را نشانه توسعه فقر و فلاکت در کشور می‌دانند و با دیدن بچه‌ها از روی تأسف سری تکان می‌دهند. با این همه، رانندگان خودروها نسبت به رفتار این بچه‌ها اغلب برخورد متفاوتی دارند. برخی از راه دلسوزی با آنها برخورد می‌کنند و برخی دیگر از «مزاحمت» و «سماجت» آنها عصبی می‌شوند. در این میان، برخی هم بر این نظرند که در پشت این پدیده، سازمانی مافیایی از سودجویان برای استثمار و بهره‌برداری از کوکان پنهان شده است. به هر حال، در روزهای اخیر شمار این بچه‌ها بر سر چهار راه‌ها به طور کم سابقه‌ای افزایش پیدا کرده است به‌گونه‌ای که بعضاً با معطل کردن رانندگان در پشت چراغ سبز، ترافیک خیابان‌ها دچار اختلال بیشتری می‌شود. در این میان، علیرضا زاکانی با وعدهٔ بازسازی مادی و معنوی پایتخت، زمام شهرداری تهران را به دست گرفته است. شعار دادن او هیچ شهروندی را امیدوار نمی‌کند، زیرا گوش آنها از شنیدن این نوع شعارها پر و سنگین شده است. زاکانی اگر واقعاً توانایی تغییری مثبت در شرایط شهر تهران در خود می‌بیند، لازم است ابتدا همین پدیده بچه‌های سر چهار راه‌ها را به صورتی انسانی حل کند. اگر از پس این کار برآید می‌توان انجام کارهای مثبت دیگری را هم از او انتظار داشت، اما اگر حضور این بچه‌ها به همین منوال ادامه یابد و یا روز به روز بیشتر شود، در آن صورت شهرداری زاکانی مصداق ضرب‌المثل سال نکویی است که از بهارش پیداست!